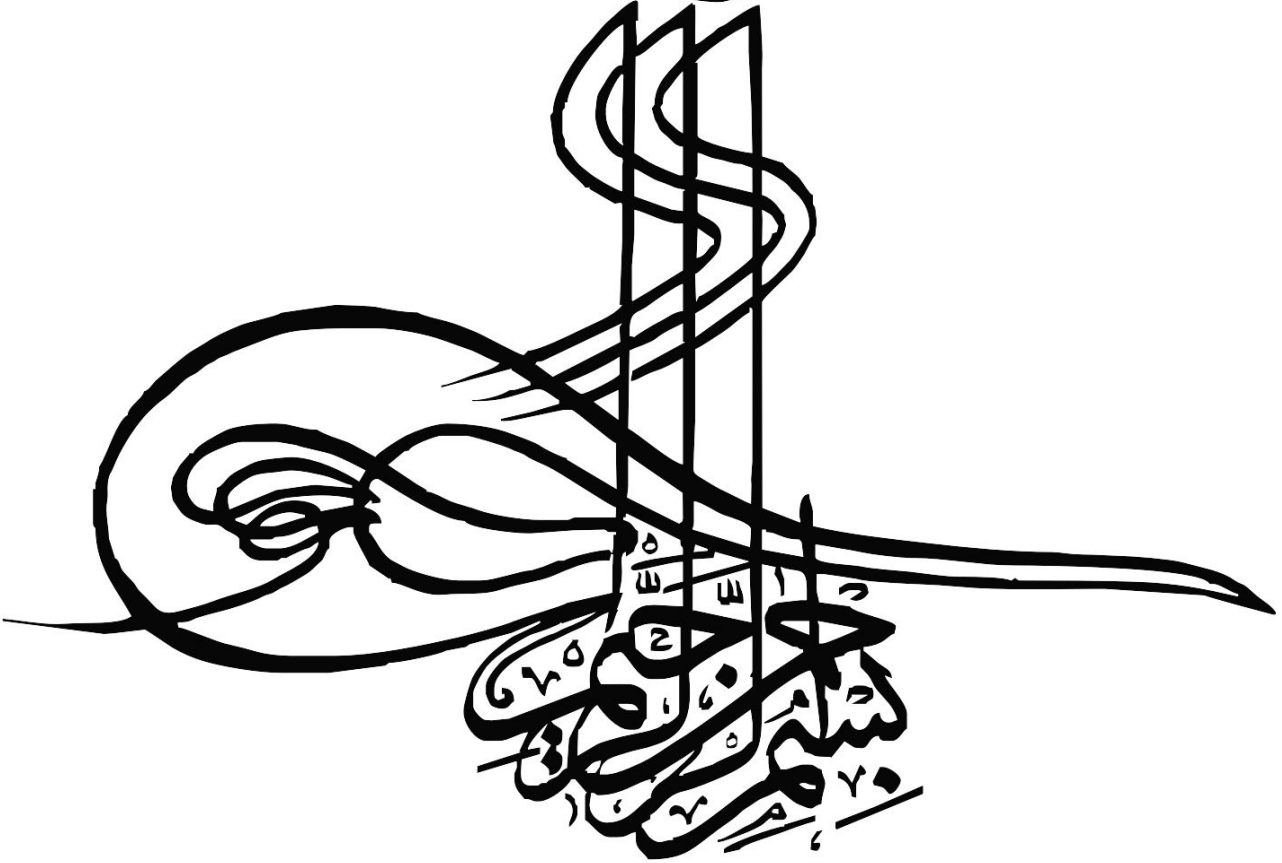


الله





دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات
گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی

عنوان:

بررسی واژه‌های مدنی قرن چهارم هجری از دیدگاه مروج الذهب مسعودی

ترجمه کتاب «ألفاظ الحضارة في القرن الرابع الهجري

دراسة في ضوء مروج الذهب»

نوشته: دکتر رجب عبدالجواد ابراهیم

استاد راهنما:

دکتر علی غفرانی

استاد مشاور:

دکتر مهدی جلیلی

دانشجو:

سیده خدیجه مصطفوی

تابستان ۱۳۹۱

اظهار نامه

اینجانب سیده خدیجه مصطفوی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان نامه ترجمه و تحقیق کتاب الفاظ الحضارة نوشته دکتر رجب عبدالجواد ابراهیم تحت راهنمایی دکتر علی غفرانی متعهد می‌شوم:

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد » و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تأثیر گذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از پایان نامه رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

بالتقدير فراوان

از راهنمائي هاي بزرگوارانه استاد ارجمند آقاي دكتر عفراني

و مشاور محترم آقاي دكتر جليلي و ساير استادانم

كه در اين سالها فروتنانه مرا از دانش خود

بهره مند ساختند.

لقد علم به

پدر و مادر هم‌پانجم که راه به زیستن راه من آموختند.

همسر بزرگوارم که مراد دستپاکی به شانه می‌دیگری از دانش‌یاری کردند.
همسر بزرگوارم که مراد دستپاکی به شانه می‌دیگری از دانش‌یاری کردند.

فرزند عزیزم که همواره در این سال‌ها با من همراه بودند.



بسمه تعالی
مشخصات پایان نامه تحصیلی دانشجویان
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان پایان نامه: بررسی واژه های مدنی قرن چهارم هجری از دیدگاه مروج الذهب ترجمه کتاب «الفاظ الحضارة في القرن الرابع الهجری دراسة في ضوء مروج الذهب»

نام نویسنده: سیده خدیجه مصطفوی

نام استاد راهنما: دکتر علی غفرانی

نام استاد مشاور: دکتر مهدی جلیلی

دانشکده: الهیات گروه: تاریخ و تمدن ملل اسلامی رشته تحصیلی: تاریخ و تمدن ملل اسلامی

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱/۲۰

تاریخ دفاع: ۱۳۹۱/۶/۱۸

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ● دکتري ○ تعداد صفحات: ۵۲۳

چکیده پایان نامه: این پایان نامه، ترجمه و تحقیق کتاب الفاظ الحضارة في القرن الرابع الهجری نوشته دکتر رجب عبدالجواد ابراهیم در زمینه بررسی و شرح و توضیح اصطلاحات موجود در کتاب مروج الذهب مسعودی است. نویسنده پس از استخراج این اصطلاحات، آنها را در سه باب اصطلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بررسی کرده است. او هر باب را به چند فصل، و هر فصل را به بخش های کوچک تر تقسیم کرده است. آنگاه ضمن بررسی هر مدخل از دو نگاه لغوی و اصطلاحی، در ادامه، یک یا چند جمله از مروج الذهب را به عنوان شاهد برای هر مدخل آورده است. در بسیاری موارد نیز شواهدی از اشعار عربی نقل کرده که بیشتر آنها مربوط به شعرای عصر جاهلی است.

پس از ترجمه متن این کتاب، برای استفاده بهتر خوانندگان بسیاری از اعلام اشخاص، اماکن، کتابهای ذکر شده در متن و برخی از نکات لازم در پاورقی معرفی و توضیح داده شد. مطالعه این متن می تواند خوانندگان را با وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرون اولیه اسلامی و ساختار اداری خلافت عباسی در سه قرن اول از عمر این خاندان بیشتر آشنا سازد.

با توجه به این که مولف در ارجاعات خود، به عنوان کتاب ها استناد کرده بود نه به نام نویسنده، برای حفظ یکنواختی پاورقی ها و ارجاعات، منابع مورد استفاده مترجم نیز با نام کتاب در پاورقی ها آمده است. همچنین برای حفظ یکنواختی متن ترجمه، جمله های عربی منقول از مروج الذهب که نویسنده به عنوان شاهد آورده بود، عیناً در پاورقی نوشته شده است.

امضای استاد راهنما:

۶. لسان العرب
۷. المعجم الوسيط

تاریخ:

کلید واژه:

۱. مروج الذهب
۲. مسعودی
۳. اصطلاحات سیاسی
۴. اصطلاحات اقتصادی
۵. اصطلاحات اجتماعی

فهرست مطالب

مقدمه مترجم.....	۱
مقدمه مؤلف (با تصرف و تغییر).....	۶
باب اول : اصطلاحات سیاسی	
فصل اول: اصطلاحات خاص حاکم، وابستگان، نائبان و اطرافیان او.....	۲۵
۱- اصطلاحات مربوط به القاب حاکم.....	۲۵
۲- اصطلاحات مربوط به شاهان.....	۵۷
۳- اصطلاحات مرتبط با جانشینان حاکم و یاران او.....	۶۵
فصل دوم: اصطلاحات مربوط به امور قضایی.....	۷۷
۱- اصطلاحات ویژه کسانی که امر قضاوت را بر عهده دارند.....	۷۷
۲- اصطلاحات مربوط به مرتکبان جرم.....	۸۱
فصل سوم: اصطلاحات وابسته به سپاهیان و جنگجویان.....	۹۴
۱- اصطلاحات خاص گروههای مختلف سپاه.....	۹۴
۲- اصطلاحات متعلق به ادوات جنگی.....	۱۰۱
۳- اصطلاحات مربوط به عملیات جنگی.....	۱۳۰
فصل چهارم: اصطلاحات مربوط به کارهای اداری و مسئولیتها.....	۱۳۶
۱- اصطلاحات مربوط به امور اداری.....	۱۳۶
۲- اصطلاحات مرتبط با خادمان قصر و درباریان.....	۱۵۲
فصل پنجم: اصطلاحات وابسته به جریانهای سیاسی و فرقههای دینی.....	۱۷۱
اول: اصطلاحات متعلق به جریانهای سیاسی.....	۱۷۱
دوم: اصطلاحات مربوط به فرقههای دینی.....	۱۷۵
۱- فرقههای دینی اسلامی.....	۱۷۵
الف- فرقههای شیعه:.....	۱۷۵
ب- فرقههای خوارج:.....	۱۸۳
۲- فرقههای دینی غیر اسلامی.....	۱۹۳

فصل ششم: اصطلاحات مربوط به پاداشها و مجازات‌ها	۲۰۱
اول: اصطلاحات مربوط به پاداشهای حاکمان	۲۰۱
دوم: اصطلاحات مربوط به مجازات‌ها و شکنجه‌ها	۲۱۰
۱. مکانهای مجازات	۲۱۰
۲. ابزارهای شکنجه	۲۱۵
فصل هفتم: اصطلاحات مربوط به ممالک و دولت‌ها	۲۲۸

باب دوم: اصطلاحات خاص فعالیت‌های اقتصادی

فصل اول: اصطلاحات خاص فعالیت‌های تجاری	۲۴۹
اول: اصطلاحات مربوط به مسافتها	۲۴۹
دوم: اصطلاحات مربوط به دستمزدها	۲۵۴
سوم: اصطلاحات وابسته به وزن‌ها و پیمانها	۲۵۸
چهارم: اصطلاحات مربوط به فعالیت‌های بازرگانی	۲۶۳
فصل دوم: اصطلاحات مرتبط با صنعت	۲۷۴
اول: اصطلاحات مربوط به سنگهای قیمتی و معادن	۲۷۴
دوم: اصطلاحات مربوط به مصنوعات مختلف	۲۹۰
سوم: اصطلاحات وابسته به وظائف و شغل‌های مختلف	۳۰۳
فصل سوم: اصطلاحات مربوط به زراعت	۳۲۵
فصل چهارم: اصطلاحات ویژه دریانوردی و صید	۳۴۳
اول: اصطلاحات مربوط به کشتیها	۳۴۳
دوم: اصطلاحات مربوط به کارکنان کشتیها	۳۴۷
سوم: اصطلاحات مربوط به دریانوردی و صید	۳۵۰

باب سوم: اصطلاحات اجتماعی

فصل اول: اصطلاحات ویژه لباسها و فرشها	۳۵۷
اول: اصطلاحات مربوط به پوشیدنیها	۳۵۷
دوم: اصطلاحات مربوط به فرشها و اثاث خانه و رختخواب	۳۸۶
فصل دوم: اصطلاحات ویژه ظرفها و لوازم زندگی	۳۹۴
اول: اصطلاحات مربوط به ظرفها	۳۹۴

۴۱۸	دوم: اصطلاحات مربوط به وسایل زندگی
۴۳۱	فصل سوم: اصطلاحات مخصوص خوردنیها و نوشیدنیها
۴۳۱	اول: اصطلاحات مربوط به خوردنیها
۴۵۴	دوم: اصطلاحات مربوط به نوشیدنیها
۴۶۰	فصل چهارم: اصطلاحات مربوط به سرگرمیها و اعیاد
۴۶۰	اول: اصطلاحات مربوط به سرگرمیها
۴۶۸	دوم: اصطلاحات مربوط به وسایل سرگرمی
۴۷۳	سوم: اصطلاحات مربوط به عیدها و مناسبتها
۴۷۷	فصل پنجم: اصطلاحات مخصوص زینت و عطر
۴۷۷	اول: اصطلاحات مربوط به وسایل زینت
۴۸۴	دوم: اصطلاحات متعلق به بوی خوش و گیاهان خوشبو
۴۹۵	نتیجه
۴۹۷	فهرست الفبایی اصطلاحات
۵۱۱	فهرست منابع

مقدمه مترجم

کتاب مروج الذهب مسعودی به عنوان یک تاریخ عمومی علاوه بر بیان تاریخ اسلام از عصر پیامبر (p) تا زمان نویسنده، دربردارنده تاریخ زندگی انسان از قدیم‌ترین زمان‌ها و معرفی دولت‌های باستانی مختلف از جمله ایران، یونان و روم و نیز بیان آداب و رسوم و شگفتی‌های ملت‌ها و عجایب گوناگون است. همچنین مسعودی از همه دانش‌های زمان خود پاره‌ای را در آن گنجانده و حتی از ذکر ادویه مفرده و مرکبه نیز در لابلائی مطالب خود غفلت نکرده است، به طوری که اگر این کتاب را به یک دائره المعارف تشبیه کنیم، شاید سخن گزافی نگفته‌ایم. کراچکوفسکی می‌نویسد: «مسعودی قصه پردازی ماهر است و در کتاب مروج الذهب که مطالب تاریخی آن بیشتر است، بهترین تصویر زندگی فرهنگی دوران خلافت اموی و عباسی را به دست می‌دهد. جغرافیا نیز در این کتاب جلوه خاصی دارد، به طوری که رنگ جغرافیایی بر برخی از فصول مروج الذهب غالب است و گاهی توضیحات مفصلی مربوط به دریاها، رودها، قبایل عرب و کرد و ترک و عبادتگاههای همه اقوام جهان بخصوص قفقاز در آن آمده است.»^۱

مسعودی در مقدمه مروج الذهب، ابتدا از نگارش کتاب اخبار الزمان و محتوای آن سخن گفته است و پس از آن از آثار دیگرش یعنی الاوسط و الاعظم نام برده و سپس در مورد انگیزه‌اش از نگارش مروج الذهب چنین نوشته است: آنگاه به نظر آمد که در کتابی کوچک‌تر مطالب مفصل را مختصر و موضوعات نیمه مفصل را کوتاه‌تر کنیم و شمه‌ای از مندرجات کتابهای الاعظم و الاوسط را با مطالب بیشتر از اقسام علوم و اخبار ملل گذشته در آن بیاوریم. چیزی که مرا به تالیف این کتاب در تاریخ و اخبار جهان و حوادث سلف از سرگذشت پیامبران و شاهان و موطن اقوام و ادار کرد، رفتاری بود که عالمان پیشین کرده‌اند تا از جهان یادگاری پسندیده و دانشی منظم و کهن برجای ماند.

مسعودی مروج الذهب را در ۱۳۲ باب تدوین و به دو بخش پیش و پس از اسلام تقسیم کرده است. بخش نخست از خلقت جهان و توصیف زمین و ذکر سرزمین‌ها و ... شروع شده و نیز تاریخ انبیا و اخبار ملت‌ها و شاهان سرزمین‌های مختلف را نقل کرده است. او بخش دوم را با ذکر ولادت پیامبر اسلام (p) آغاز و به تاریخ بعثت و هجرت آن حضرت و حکومت خلفای

۱- تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ایگناتی کراچکوفسکی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۴۳.

راشدین، اموی و عباسی تا سال ۳۳۶ق پرداخته است.

موضوع این پایان نامه، ترجمه کتابی با عنوان «الفاظُ الحَضَارَةُ فِي الْقَرْنِ الرَّابِعِ الْهَجْرِي فِي ضَوْءِ مُرُوجِ الذَّهَبِ» در موضوع بررسی اصطلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده در قرن چهارم هجری در پرتو مروج الذهب مسعودی است که به وسیله دکتر رجب عبدالجواد ابراهیم از محققان معاصر مصری انجام شده و انتشارات دارالآفاق العربیه قاهره آن را در سال ۲۰۰۳ م به چاپ رسانده است.

درباره نویسنده کتاب باید گفت ایشان یکی از محققان معاصر مصری است. زندگینامه‌ای از ایشان بدست نیامد، تنها می‌توان گفت که ایشان علاوه بر کتاب حاضر، چند کتاب دیگر به رشته تحریر درآوردند که اسامی آنها بدین قرار است:

- ۱- المعجم العربی لاسماء الملابس، چاپ دارالآفاق العربیه، سال ۲۰۰۲ م. ۲- معجم المصطلحات الاسلامیه فی المصباح المنیر، چاپ دارالآفاق العربیه، سال ۲۰۰۲ م. ۳- الاقتراض المعجمی من الفارسیة الی العربیه، چاپ دارالقاهره، سال ۲۰۰۲ م. ۴- موسیقی اللغة، چاپ دارالآفاق العربیه، سال ۲۰۰۲ م. ۵- مصادر السیوطی فی التاریخ لنحاة الاندلس، چاپ مکتبه الآداب، سال ۲۰۰۲ م. ۶- دراسات فی الدلالة و المعجم، چاپ دارغریب، سال ۲۰۰۱ م. ۷- الفاظ المآکل و المشارب فی العربیه الاندلسیه، چاپ دار غریب، سال ۲۰۰۱ م. ۸- أسس علم الصرف، چاپ دارالآفاق العربیه، سال ۲۰۰۲ م. ۹- المدخل الی تعلّم العربیه، چاپ دارالآفاق العربیه، سال ۲۰۰۲ م.

بنابر آنچه دکتر رجب عبدالجواد در مقدمه کتاب ذکر کرده، او این واژگان را از دو جنبه لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار داده است. او در این پژوهش از منابع مهم لغوی و تاریخی عربی همچون لسان العرب ابن منظور (د. ۷۱۱ ق)، معجم الکبیر و معجم الوسیط (هر دو از تالیفات فرهنگستان زبان عربی)، المحکم و المخصّص ابن سیده (د. ۴۸۵ ق)، قاموس المحيط فیروزآبادی (د. ۸۹۷ ق)، تاریخ طبری (د. ۳۱۰ ق)، معجم الادباء یاقوت حموی (د. ۶۲۶ ق) و کامل ابن اثیر (د. ۶۳۰ ق) استفاده کرده است.

نویسنده پس از دسته بندی اصطلاحات مروج الذهب در سه باب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ابتدا به ریشه یابی هر یک و ذکر معانی لغوی آنها پرداخته و سپس معنی اصطلاحی

آنها را در مروج الذهب و قرن چهارم هجری با ذکر شواهدی بیان کرده است.

دکتر رجب عبدالجواد ابراهیم بخش اصطلاحات سیاسی موجود در مروج الذهب را به هفت فصل تقسیم کرده است. در فصل اول اصطلاحات مربوط به القاب حاکم، وابستگان و نائبان او چون سلطان، مرزبان، ایوان و تاج؛ در فصل دوم اصطلاحات متعلق به امر قضاوت چون قاضی القضاة و رؤیضة؛ در فصل سوم اصطلاحات مربوط به سپاه و جنگجویان و عملیات جنگی چون عسکر، جوشن و گمین؛ در فصل چهارم اصطلاحات مربوط به امور اداری چون دیوان، بیت المال و قهرمان؛ در فصل پنجم جریانات سیاسی و فرقه های دینی چون لاریسیه، بیاسره و خوارج؛ در فصل ششم اصطلاحات مربوط به مجازات ها و ابزارهای شکنجه چون سجن، سوط، و سیف؛ و در فصل هفتم اصطلاحات مربوط به ممالک و دولت ها چون طسوج و اقلیم را نام برده و در مورد هریک توضیحاتی داده است.

باب دوم یعنی اصطلاحات اقتصادی شامل چهار فصل است. در فصل اول اصطلاحات مربوط به امور تجاری چون درهم و قیراط و نیز وزن ها و پیمانه ها آمده است. در فصل دوم اصطلاحات مربوط به صنعت چون سنگ های قیمتی، تولیدات مختلف و شغل های گوناگون؛ در فصل سوم اصطلاحات مربوط به امور زراعی چون غله، ترعه و برکه؛ و در فصل چهارم اصطلاحات مربوط به دریانوردی و صید چون سفینه، ملاح و دقل همراه با توضیحاتی ذکر شده است.

باب سوم با عنوان اصطلاحات اجتماعی دارای پنج فصل است. در فصل اول اصطلاحات مربوط به لباس ها و گسترده های چون دیباج، قمیص و فراش؛ در فصل دوم اصطلاحات مربوط به ظرف ها و وسایل زندگی چون دساتیج، قلال و گرسی؛ در فصل سوم اصطلاحات مربوط به غذاها و نوشیدنی ها چون طبرزد، تابل، زیت، شهد و لبن؛ در فصل چهارم اصطلاحات مربوط به اعیاد و سرگرمی ها چون عود و نیروز؛ و سرانجام در فصل پنجم اصطلاحات مربوط به زینت و عطر چون سوار، قرنفل و صندل توضیح داده شده است.

در مورد پیشینه این پژوهش باید گفت آثار چندی در گذشته به این سبک نگارش یافته اند. از جمله «الفاظ الحضارة العباسية فی مؤلفات جاحظ» نوشته طیب صالح شذر که در نوع خود رساله ارزشمندی است و به بررسی اصطلاحات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز بررسی واژگان عربی و معرب موجود در آثار جاحظ پرداخته است. پژوهش بعدی با عنوان «الفاظ الحضارة فی

السَّعْرِ الْعَرَبِيِّ فِي الْقَرْنِ الثَّانِي الْهَجْرِي دَرَسَةُ دَلَالِيَّةٍ وَ مَعْجَمٌ» است که با کوشش علی عبدالحسین زوین در شش فصل با عناوین: اصطلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی، تمدن مادی و بررسی واژگان عربی و معرّب انجام شده است. همچنین کتاب «زبان سیاسی اسلام» نوشته برنارد لوئیس با ترجمه غلامرضا بهروز لک حاوی بررسی اندیشه های سیاسی اسلام و مسیحیت و تحولات اندیشه سیاسی مسلمانان بر اساس تغییرات زبانی و فقه اللغه است. شیوه انجام کار: با توجه به این که نویسنده یعنی آقای رجب عبدالجواد ترتیب الفبایی را در تنظیم اصطلاحات رعایت نکرده بود، در ترجمه فارسی همه اصطلاحات به ترتیب الفبایی تنظیم شد و بعد متن با استفاده از ترجمه فرهنگ‌هایی چون المنجد نوشته لوئیس معلوف و المعجم العربي الحدیث نوشته خلیل جُر ترجمه شد. آنگاه برای استفاده بهتر خوانندگان، شواهد ذکر شده از مروج الذهب پس از حرکت گذاری، در متن؛ و ترجمه فارسی آنها با علامت ستاره به پاورقی منتقل شد، همانند کاری که بر روی کتاب تکملة الاصناف کرمینی دانشمند قرن ۷هـ انجام شده است. همچنین نشانی آیات متن استخراج و همراه با ترجمه آنها در پاورقی ذکر شد. برای آشنایی بیشتر خوانندگان با منابعی چون لسان العرب و المعجم الوسیط که نویسنده بیشترین استفاده را از آنها برای توضیح اصطلاحات کرده بود، این منابع در اولین ارجاع توضیح داده شد. نیز برخی از مسائل مورد اختلاف مذاهب اسلامی در پاورقی توضیح داده شد و برای یکدست شدن مطالب خصوصاً در باب سوم و بیشتر در فصل مربوط به شغل‌ها، ترجمه کوتاه هر اصطلاح در ابتدای آنها ذکر شد. همین طور بسیاری از اعلام اشخاص و اماکن، کتاب‌ها و سایر مطالبی که نیازمند توضیح بود، با علامت ستاره در پاورقی توضیح داده شد و در پایان آن حرف م به نشانه مترجم درج شد. در توضیح سایر علائم اختصاری ذکر شده در متن باید گفت که حرف «حک» به معنای سالهای حکومت، «ت» به معنای سال تولد، «د» به معنای سال درگذشت، «م» به معنای میلادی، «ق» به معنای قمری و «ق.م» به معنای قبل از میلاد است. همچنین برخی از مطالب یا لغات قابل توضیح در متن و یا پاورقی، با علامت کروشه توضیح داده شد. نیز به دلیل این که در مقدمه مؤلف برخی از مطالب تکراری و پیش پا افتاده ذکر شده بود، لذا به ترجمه بخش‌های مهم تر آن اکتفا شد. در رابطه با فهرست منابع، چون نویسنده معرفی منابع را در پاورقی با نام کتاب آغاز کرده بود، لذا مناسب دیده شد برای ایجاد هماهنگی با شیوه تنظیم منابع ذکر شده در پاورقی، فهرست منابع به ترتیب الفبایی نام آثار تنظیم شود.

درباره مشکلات کار باید گفت مشکل عمده عدم رعایت ترتیب الفبایی اصطلاحات در تمام کتاب به وسیله نویسنده بود که وقت زیادی صرف برطرف کردن این اشکال در هنگام ترجمه و انتقال ارجاعات مربوطه به محل خود شد. همچنین به سبب همین بی‌نظمی، هر بار مراجعه به متن اصلی برای ویرایش و رفع جاافتادگی‌ها، موجب اتلاف وقت فراوان و گاهی اوقات بروز اشتباهات می‌شد که برطرف کردن آن نیازمند وقت بیشتری بود.

این کتاب علی‌رغم امتیازات فراوانی که ذکر شد، خالی از برخی اشکالات نیست. از جمله این که بهتر بود نویسنده در بررسی لغات کمتر بر کتابی چون لسان‌العرب تکیه می‌کرد و بیشتر از منابع ارزشمندی چون تاج‌العروس زبیدی استفاده می‌کرد. اشکال دیگر، وجود برخی از اشتباهات صرفی در کتاب است. به عنوان مثال در صفحه ۴۹ در توضیح لفظ سلطان، ریشه آن را "سلیط" عنوان کرده است، در حالی که ریشه این کلمه "سلط" است. البته جهت رعایت امانت، اصل عبارت در متن بدون تغییر ذکر شد و در پاورقی توضیح لازم در این زمینه داده شد. اشکال دیگر آن است که در کتاب برخی از نام‌ها به اشتباه ذکر شده است. از جمله در صفحه ۲۴۷ کتاب، نام طلحة بن "عبیدالله" تیمی به اشتباه طلحة بن "عبدالله" تیمی نوشته شده است که پس از مراجعه به متن عربی مروج‌الذهب این اشکال در پاورقی اصلاح و توضیح داده شد.

مقدمه مؤلف (با تصرف و تغییر)

الف - مسعودی (۳۴۵-۲۸۷ق)، زندگی و آثار او

علی بن حسین بن علی ملقب به ابوالحسن مسعودی، مورخ و از نسل عبدالله بن مسعود صحابی پیامبر (p) بود. او مردی اخباری، علامه و صاحب آثاری نادر بود.^۱ از جمله آثار او می‌توان به مروج الذهب، اخبار الزمان، الأوسط، التنبیه و الاشراف اشاره کرد که از میان آنها تنها مروج الذهب مشهور شد.^۲ بنا به نقل روایات او اهل بغداد بود، اما مدت کمی در آنجا به سر برد، و بیشتر در مصر زندگی کرد. می‌گویند او معتزلی بوده است.^۳

ولادت: مسعودی در سال ۲۸۷ق در عصر دوم عباسی در اواخر حکومت خلیفه معتضد در خانواده‌ای عرب به دنیا آمد. خانواده او تلاش فراوانی برای رشد علمی‌اش کردند. بغداد در آن روزگار، از بزرگترین مراکز علمی جهان به شمار می‌رفت و کتابخانه‌ها و میراث فرهنگی آن معروف بود. از این رو مسعودی فرصت را برای بهره‌گیری از آن گنجینه عظیم غنیمت شمرد. اساتید مسعودی بزرگانی چون ابوخلیفه جمحی، نفطویه و ابن زبر قاضی بودند. از جمله معروف‌ترین علما و شعرای زمان مسعودی می‌توان به ابن قتیبه، بلاذری، ابوحنیفه دینوری، یعقوبی، ثابت بن قره حرّانی، احمد بن حنبل، ترمذی، جنید، نسائی، جبائی، طبری، زجاج و قدامة بن جعفر اشاره کرد.^۴

سفرهای مسعودی: مسعودی علوم مختلف از جمله علم لغت، ادبیات، فقه، تاریخ، جغرافیا و فلسفه را فراگرفت و بسیاری از زبان‌ها چون فارسی، هندی، یونانی، رومی و سریانی را آموخت. او می‌خواست از نزدیک فرهنگ‌های مختلف را بشناسد و تمدن‌های گوناگون را مورد بررسی قرار دهد، لذا تصمیم به سفر گرفت. بغداد در زمان خارج شدن مسعودی از آنجا، از نظر سیاسی در وضعیت نگران‌کننده‌ای به سر می‌برد. در عصر دوم عباسی، عناصر بیگانه [یعنی سرداران ترک] بر خلفا سیطره داشتند و خلفا نیز با اطرافیان خود بر سر تصاحب قدرت درگیر بودند، به همین علت مسعودی بهتر آن دید که از آنجا به نقطه‌ای دیگر سفر کند و خود

۱- فوات الوفيات، محمد بن شاکر کتبی، ۱۲/۳-۱۳.

۲- سیر أعلام النبلاء، شمس‌الدین محمد ذهبی، ۵۶۹/۱۵.

۳- طبقات الشافعية الكبرى، تاج‌الدین سبکی، تحقیق محمود طنّاحی و عبدالفتاح حلو، ۴۵۶۶/۳.

۴- المسعودی، علی خربوطلی، ۲۱.

را از آن درگیری های سیاسی دور کند تا آزادی بیشتری برای نگارش تاریخ آن خلفا داشته باشد. در آن هنگام، مقتدر و مرتضی عباسی بر سر تصاحب خلافت با یکدیگر مبارزه می کردند.^۱

مسعودی از این سفرها سود برد و مطالب تازه و بسیاری از حقایق تاریخی و جغرافیایی را جمع آوری کرد؛ امری که موجب شد بسیاری از مردم او را با عنوان مورخ، جغرافی دان و جهانگرد بشناسند.^۲ او در سال ۳۰۹ ق در ۲۲ سالگی سفرهای خود را آغاز کرد و به سوی شرق اسلامی به راه افتاد. او از شهرهای فارس و کرمان دیدار و مدتی در اصطخر اقامت کرد. در سال بعد (۳۱۰ ق) او به هند، مولتان و منصوره، و پس از آن به کنبایه و صیمور رفت و مدتی در بمبئی ماند. او چند صباحی در سرندیپ (سریلانکای کنونی) بسر برد و از آنجا از راه دریا و به همراه تجار به چین سفر کرد و از اقیانوس هند و جزایر آن خصوصاً ماداگاسکار و زنگبار دیدن کرد و در پایان این دوره از سفرش به عمان بازگشت.^۳

سفر دوم مسعودی در سال ۳۱۴ ق به سمت مناطق اطراف دریای خزر یعنی آذربایجان و گرگان و مناطق شمالی انجام شد. پس از آن، او به سرزمین های شام و فلسطین، و در سال ۳۲۲ ق به انطاکیه و مرزهای شام سفر کرد و سپس به بصره بازگشت. مجدداً به بلاد شام رفت و مدتی در دمشق مقیم شد. در این زمان مسعودی پیوسته در حال سفر بین عراق، شام و مصر بود. او بار دیگر احساس کرد باید مدتی را در مکانی اقامت کند و این بار، مصر و یکی از شهرهای آن یعنی فسطاط را برای این کار برگزید. او در سال ۳۳۲ ق نگارش مروج الذهب را آغاز و در سال ۳۳۶ ق در فسطاط آن را به پایان رساند. مصر در آن روزگار در دوره ای از آرامش و ثبات و رشد علمی و فرهنگی به سر می برد. آن زمان، عصر حکومت کافور اخشیدی بود. مسعودی همچنان در فسطاط ماند تا این که در سال ۳۴۶ ق* در این شهر از دنیا رفت.

ویژگی های شخصی مسعودی: یکی از ویژگی های شخصی مسعودی که از متن کتابش مروج الذهب پیداست، اعتماد به نفس او و ارج نهادن به دانش ها و تجربه هایی بود که خود

۱- المسعودی، علی خربوطلی، ۲۴.

۲- تاریخ آداب اللغة العربیة، جرجی زیدان، ۳۶۳/۲.

۳- المسعودی، علی خربوطلی، ۲۴-۲۵.

* در بیشتر منابع تاریخی، درگذشت مسعودی سال ۳۴۵ ق ذکر شده است. م

از طریق سفر و با تحمل خطرات و دشواری‌ها به دست آورده بود. او نوشته است: کسی که در وطن خود اقامت کند و به اخباری که از اقلیم خود گرفته اکتفا کند، همانند کسی که عمر خود را در سفر و طی کردن مسیرها پیموده و دقایق اخبار و اطلاعات ارزشمند را از سرچشمه آن به دست آورده، نیست.^۱ البته با وجود اعتماد مسعودی بر دانش و درایت خود، در بسیاری از صفحات کتاب‌هایش با فروتنی تمام از کوتاهی‌ها و غفلت احتمالی‌اش در ارائه اخبار پوزش می‌طلبد.^۲

مسعودی از جریان‌های سیاسی و مذهبی که برخی از مورخان را به تعصب و یا یکجانبه‌گرایی کشاند، دور بود. همچنان که بیشتر سالهای زندگی‌اش را در سفرهای پیاپی گذراند و تحت سیطره هیچ حاکم و یا امیری قرار نگرفت تا او را به چاپلوسی و یا تکلف وادارد و آزادی او در رفتن از جایی به جای دیگر در آثارش نمایان است. او با آزادی به نقد تاریخ می‌پرداخت و بی‌پروا از خلفای عباسی معاصر خود انتقاد می‌کرد و آنان را به ضعف و سیطره ترکان بر آنان توصیف می‌کرد.

شیوه نگارش مسعودی: مسعودی برخلاف مورخان پیش از خود که صرفاً به روایت تاریخ می‌پرداختند، به تحلیل حوادث تاریخی و بحث در مورد عوامل و انگیزه‌ها و نقد حوادث نیز پرداخت و به نتایج مهمی دست یافت.^۳ بعدها ابن خلدون شیوه او را البته به طور گسترده‌تر در پیش گرفت و با همین شیوه، در شمار مورخان و متفکران مبرز و برجسته قرار گرفت.

سفرهای مسعودی برای تفریح یا تجارت نبود، بلکه برای مشاهده سرزمین‌های مختلف و پی‌بردن به اخبار آنها بود. آثار او نشانگر معرفت گسترده او به زبان، عادات، رسوم، آداب، اخلاق و سیاست مناطقی است که از آنها دیدن کرد. در مورد مذهب مسعودی باید گفت علی‌رغم اعتقاد بسیاری از مورخان به معتزلی‌بودن مسعودی،^۴ در کتاب‌های او اشاره‌ای به این مذهب نشده است. شاید این عدم اشاره مسعودی از آن روی بود که وی می‌خواست ناشناخته

۱- مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ۱۲/۱.

۲- همان، ۳۸۷/۴.

۳- المسعودی، علی خربوطلی، ۳۱.

۴- طبقات الشافعیه الکبری، تاج‌الدین سبکی، ۴۵۶/۳.

بماند، زیرا در آن زمان مذهب معتزلی به شدت سرکوب و منفور شده بود.^۱ مورخان پیش از مسعودی، مطالب تاریخی را به طور مستند و با ذکر نام راوی نقل می کردند، اما مسعودی اخبار و حوادث را بدون سند ذکر می کرد و به این اکتفا می کرد که در مقدمه کتابش راویان یا منابع مورد استفاده خود را نام ببرد. بنابراین می بینیم که او در کتاب های خود اخبار تاریخی فراوانی را بدون ارجاع به منابع پیش از خود نقل کرده است و همین امر موجب شد تا برخی از مورخان پس از او، برخی از اخبار کتاب های او مانند داستان آفرینش در کتاب مروج الذهب اش را نپذیرند.^۲ یکی دیگر از ابتکارات مسعودی این است که در آغاز مروج الذهب به نقد و بررسی و مقایسه منابع تاریخی خود پرداخت و مورخان بعدی هم از این شیوه او پیروی کردند.

مسعودی در تألیف بر مشاهدات خود تکیه می کرد. او همه مکان ها و همه ملت هایی را که ذکر کرده، به طور مستقیم دیده بود. او بر شنیده هایی که مورخان گذشته بر آنها تکیه می کردند، اعتماد نداشت بلکه نویسندگانی از جمله جاحظ و سنان بن قره را که به مشاهده و سفر پرداخته بودند، مورد انتقاد قرار داد. او نوشته است: عمرو بن بحر جاحظ گمان می کرد که رود مهران یا همان رود سند از رود نیل در مصر سرچشمه گرفته است و دلیل آن را وجود تماس در این رود می داند. نمی دانم او چرا این دلیل را مطرح کرد؟ جاحظ این مطلب را در کتاب الامصار و عجائب البلدان خود که کتابی در نهایت پوچی است، عنوان کرد. دلیل آن این است که این مرد دریاها را نپیموده و به سفرهای فراوان پرداخته و از شهری به شهر دیگر نرفته بود. او هیزم کش شب بود و از کتابهای نویسندگان رونویسی می کرد.^۳

مسعودی با تمام امتیازاتش، از نقد برخی از مورخان و تحلیل گران در امان نماند. از جمله این که ابن خلدون صحّت قصه اسکندر او و نیز روایت شهر نحاس را که موسی بن نصیر در هنگام فتح مغرب دیده بود، مورد تردید قرار داد و آن را پر از اشتباه و پرداخته وهم و شیهه داستان های ساختگی برشمرد.^۴

۱- المسعودی، علی خربوطلی، ۳۲.

۲- مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ۲۸/۱.

۳- همان، ۹۹/۱.

۴- مقدمه، ابن خلدون، تحقیق علی عبدالواحد وافی، ۲۲۴/۱.

مسعودی جغرافی دان: مسعودی درباره سفرهایش به روش موضوعی و ذکر جداگانه هر سرزمین عمل کرده است. او مطالب خود را به موضوعات مستقلی تقسیم و در هر بخش درباره سرزمینی مشخص و بدون پابندی به شیوه سالشمار سخن گفته است و به پیوستگی اخبار سفرها و یا مرتبط بودن آنها به یکدیگر اهمیت چندانی نداده است. ابن خلدون که حدود چهارصد سال پس از او می‌زیست، در مقدمه‌اش در مورد سفرهای مسعودی آورده است: ذکر ویژگی‌های کلی هر دوره، مناطق مختلف و مردم و بررسی خبرهای آنان اساس کار مورخ است و اهداف او بیشتر بر همین امر مبتنی است. این کار موجب می‌شود تا مردم به نوشته او توجه خاص نشان دهند. همچنان که مسعودی در مروج الذهب به این مسئله پرداخت و وضع ملت‌ها و مناطق غربی و شرقی را تا زمان خود (۳۳۰ ق) مورد بررسی قرار داد، عقاید و عادات آنان را برشمرد و شهرها، کوهها، دریاها، ممالک، دولت‌ها و فرقه‌های عرب و عجم را توصیف کرد. به این ترتیب، او پیشوای مورخان شد و آنان از او پیروی می‌کنند و در هنگام بررسی اخبار خود به او رجوع می‌کنند.^۱

می‌توان مسعودی و پیش از او یعقوبی را اولین موسسان مدرسه اسلامی در زمینه پژوهش‌های جغرافیایی به حساب آورد.^۲ مهم ترین چیزی که مسعودی را از سایر جهانگردان متمایز می‌کند، این است که او به صورت دقیق و ژرف در مورد ملت‌ها و سرزمین‌های مجاور جهان اسلام در زمان خود سخن گفته است، همچنان که تحقیقات جغرافیایی او همه جوانب تاریخی، اجتماعی و دینی را دربرمی‌گیرد و زمان و مکان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. او همچنین بر تأثیر محیط طبیعی بر چهره و اخلاق انسان تأکید کرد.

جایگاه مسعودی در پژوهش‌های جدید: بسیاری از پژوهشگران جدید از او یاد کرده‌اند. فؤاد سزگین درباره او می‌نویسد: مسعودی در ردیف مولفان قرون اولیه اسلامی است که دارای آثار متنوعی بود. او تنها به جغرافیا و تاریخ پرداخت، بلکه به علومی چون کلام، اخلاق، سیاست و لغت نیز توجه نشان داد و ما به سبب ارائه اخبار ارزشمند در مورد مناطق اسلامی و اطلاعات گرانبهای او از منابعی که در دسترس ما نیست، وامدار او هستیم.^۳ احمد امین

۱- مقدمه، ابن خلدون، تحقیق علی عبدالواحد وافی، ۱/۲۵۸-۲۵۷.

۲- المسعودی، علی خربوطلی، ۳۷.

۳- تاریخ التراث العربی، فؤاد سزگین، ترجمه: محمود فهمی حجازی و فهمی ابوالفضل، ۵۳۴.

مصری نیز ضمن تأیید سخنان فؤاد سزگین نوشته است: شیوه مسعودی با شیوه طبری متفاوت است، اگرچه هر یک امتیازاتی دارند.

مسعودی در کتاب‌های خود به امور اجتماعی توجه خاص نشان داد، از جمله بحث در مورد دین‌های اعراب و نظرات او در مورد کیمیا، ندهای غیبی، بردگان، پیشگویی و مسائل گوناگون و پیوستگی آن بین عرب و عجم. او بخشی از اخبار مهم هر پادشاه و وضعیت دربار و زشتی و زیبایی و ترکیب چهره او را ذکر کرد، چیزی که مانند آن در کتابهای دیگر یافت نمی‌شود. بنابراین او مورخی بود که به بسیاری از اسناد مورد نیاز یک مورخ دسترسی داشت.^۱

بعدها متفکران غربی، مسعودی و آثار او را مورد توجه قرار دادند و کتب موجود او را به بسیاری از زبان‌های اروپایی ترجمه کردند. برخی، او را بلینوس شرق، و برخی هرودوت شرق نامیدند. کاترمیر در مورد او می‌گوید: وقتی انسان به آثار او می‌نگرد، از تنوع مطالب آن شگفت زده می‌شود، نه به سبب این که او تمام آثار به ویژه آثار اسلامی را مطالعه کرد، بلکه به سبب احاطه مباحث گسترده او به تاریخ یونان و روم و تمام ملت‌های قدیم و جدید شرقی.^۲

هملتون گیب در مورد او نوشته است: مسعودی شایسته آن است که از بزرگ‌ترین مورخان مسلمان شمرده شود، اما از بین رفتن آثار مهم و گرانقدر او که تنها مطالب مختصری از آنها به دست ما رسیده است، ارائه قضاوتی کامل در مورد شیوه او را برای ما دشوار می‌کند.^۳

آدام متز شرق شناس معروف اروپایی و مولف کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری» در مورد کوشش‌های مسعودی نوشته است: علاقه به کسب آگاهی، مسعودی را به سرزمین‌های دور آفریقا و چین کشاند. او در کتب تاریخی خود از بسیاری از تجارب و مشاهداتش در این سفرها یاد کرده است.^۴

تالیفات مسعودی: مسعودی دهها کتاب پیرامون اخبار سفرهای خود و تجارب و مشاهداتش به رشته تحریر درآورده بود، اما بیشتر آنها از بین رفت. از آثار او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ظهر الاسلام، احمد امین، ۲/ ۲۰۷-۲۰۶.

۲- حضارة العرب، گوستاو لوبون، ترجمه: عادل زعتر، ۴۵۳.

۳- دراسات فی حضارة الاسلام، هملتون گیب، ترجمه احسان عباس و دیگران، ۱۵۵.

۴- الحضارة الاسلامية فی القرن الرابع الهجری، آدام متز، تحقیق محمد عبدالهادی ابوریده، ۴/۲.